



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخدمت در ذکر کلام صاحب جواهر در مورد ارث زوجه بود، ایشان مطالب زیادی بیان فرمودند که مقداری از آنها را خواندم و اما مطلب بعدی ایشان این است که فرمودند موافق عدل آن است که دین و کفن و این چیزها را از مجموع ترکه بردارند، شخصی که از دنیا می رود نسبت به مال خودش چند حق دارد؛ اول کفن، دوم دین، سوم وصیت تا ثلث اموالش و چهارم تقسیم ارث، صاحب جواهر نیز اینطور فرموده: «ثم إنه لا يخفى عليك أن الموافق للعدل توزيع الدين والكفن ونحوهما على مجموع التركة من غير ضرر على أحد من الورثة، فلا يدفع جميعه من غير الأرض كي يلزم الضرر على الزوجة، ولا منها خاصة كي يلزم على الورثة دونها، بل يوزع عليهما جميعا وإن كان العمل من جميع من عاصرناه على خلاف ذلك»^۱.

صاحب جواهر در ادامه به سراغ جزئیات رفته و مصادیقی را بیان کرده و اینطور فرموده: «وعلى كل حال فهل يدخل في الآلات الدولاب (چرخي که روی چاه برای بیرون کشیدن آب نصب می شود) والمحالة (وسیله خاصی که با زدن یک کلید به صورت اتوماتیک داخل چاه می رود و ظرف آب را پر می کند و بعد خارج می کند) والعريش الذي يكون عليه أغصان الكرم (شاخه های درخت انگور) ونحوها؟ وجهان، أقواهما دخول كل ما يسمي من آلات البناء من غير فرق بين ما اتخذ السكنى وغيرها من المصالح، كالرحي (آسیاب) والحمام ومعصرة الزيت والسمس (کنجد و امثاله) والعنب والإصطبل والمراح (استراحتگاه) وغيرها، بل قد يدخل في وجه صفرية الحمام والمسبك (رختکن) ونحوهما فيها.

أما القدر (دیگ بزرگ) المشبته في دكان ليصنع فيها الرؤوس والهريس ونحوهما فيمكن عدم عددا في الآلات، فترث من عينها، كما أن الظاهر إرثها من آلات البناء المهذومة من آجر ونحوه، لأن المراد منها المشبته دون المنقولة كما عن الصيمري الإجماع عليه. نعم لو كانت مبنية فلها القيمة وإن كانت مستعدة للهدم... إلى آخر كلامه»^۲.

در بعضی موارد ما نمی دانیم واقعا جزء زمین محسوب می شود تا زن محروم باشد یا اینکه جزء هوائی حساب می شود تا محروم نباشد و از قیمت هوائی ارث ببرد لذا در این موارد ناچاراً باید بین زن و بقیه وراثت مصالحه صورت بگیرد لذا صاحب جواهر در ادامه می فرماید: «هذا ولكن لا ينبغي ترك الاحتياط بالصلح ونحوه في جميع محال الشك... إلى آخر كلامه»^۳.

خب واما صاحب جواهر در ادامه فرموده اگر زن ولد داشته باشد فرقی بین ذکر و أنثی و خنثی نیست بلکه اگر بچه در شکم مادرش هم باشد باز ارث می برد و قبلا تمام این مسائل را بیان کردیم.

صاحب جواهر در ادامه می فرماید در آن قیمت هوائی که می خواهند به زن بدهند آیا قیمت یوم الموت ملاک است یا قیمت یوم الدفع؟ اگر خاطرتان باشد قبلا که مکاسب می خواندیم عرض کردیم که قیمت یوم الدفع میزان است و امام رضوان الله علیه نیز در تحریر الوسيلة دارند که قیمت یوم الدفع که یوم الأداء نیز می گویند میزان است، البته در مکاسب اقوالی مطرح بود؛ قیمت یوم الموت، قیمت یوم الدفع و اعلى القيم، که ادامه این بحث بماند برای بعد از تعطیلات دهه آخر صفر إن شاء الله تعالى... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۲ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۲۱۷، ط ۴۳ جلدی.

^۳ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۲۱۸، ط ۴۳ جلدی.

^۱ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۲۱۷، ط ۴۳ جلدی.